



درس نهم:

بازنجهش و مقایسه، آسان تر نیستیم

این کارها را با...
در وسط شهر
به به ایل و...
بسیار در ایل
آبشار و کس

کتابت و...
پنداری...
درای...
نوشته...
این...
و بعضی...
های...
برای...
تجربه...
می...
و بعضی...
های...
برای...
تجربه...
می...




باسنجش و مقایسه، آسان‌تر بنویسیم

معلم، بعد از ورود به کلاس، دانش‌آموزان را به یک گفت‌وگوی صمیمانه دعوت کرد. او از آنها خواست، نظراتشان را راجع به بهره‌گیری از حواس پنجگانه بیان کنند. دانش‌آموزان، هر کدام تجربیات خود را به شکل شفاهی بیان کردند. خلاصهٔ حرف‌های دانش‌آموزان، این بود:

◀ چون بهتر می‌بینیم و بیشتر می‌شنویم، حرف‌های بیشتری برای نوشتن داریم.
- بعضی از بوها و مزه‌ها، ما را به یاد یک خاطره می‌اندازد و دوست داریم آن را بنویسیم.
- نوشته‌های ما، عاطفی‌تر از قبل شده است.
- تازگی‌ها چیزهایی را می‌بینیم و صداهایی را می‌شنویم که قبلاً ندیده و نشنیده بودیم.

معلم، بعد از شنیدن حرف‌های بچه‌ها، گفت: «خوشحالم که گوشه شدن روزنه‌های ذهن، احساس‌های تازه‌ای در شما ایجاد کرده است. در درس‌های گذشته با راه‌های پرورش و آماده‌سازی ذهن برای نوشتن آشنا شدیم. در این درس، شیوه‌هایی را می‌آموزیم که به ذهن ما کمک می‌کنند تا اندوخته‌های خود را راحت‌تر به نوشتار تبدیل کنیم.»



در این درس، یکی دیگر از راه‌های کمک به رشد فکر را می‌آموزیم. بهره‌گیری از شیوهٔ سنجیدن پدیده‌ها با یکدیگر و مقایسه کردن آنها با هم، به ما یاری می‌رساند تا از جنبه‌های مختلف به شناخت بهتر اشیا برسیم. شگفتی‌های آفرینش از موضوع‌هایی هستند که از راه درنگ و تأمل در آنها می‌توان خداوند را بهتر شناخت. در خطبه‌ای از نهج البلاغه، آمده است:

◀ «اگر اندیشه‌ات را به کارگیری تا به راز آفرینش پی‌بری، دلایل روشن به تو خواهند گفت که آفرینندهٔ مورچهٔ کوچک، همان آفریدگار درخت بزرگ خرماست، به سبب دقتی که در آفرینش هر چیزی به کار رفته، و اختلافات و تفاوت‌های پیچیده‌ای که در خلقت هر پدیده نهفته است. پس اندیشه کن در آفتاب و ماه، درخت و گیاه، آب و سنگ، اختلاف شب و روز، جوشش دریاها، فراوانی کوه‌ها، بلندی قله‌ها و گوناگونی و تفاوت زبان‌ها، که نشانه‌های روشن پروردگارند».

این کار، راه مناسبی برای پرورش فکر و ساده سازی مهارت نوشتن است. هنگامی که موضوعی برای نوشتن به ما داده می‌شود؛ آن را با موضوع‌های دیگر، می‌سنجیم. در متن صفحهٔ بعد، نویسنده از همین شگرد، بهره گرفته است:

◀ « تابستان سوم فرا رسید. هوا داغ بود. شب‌ها از گرما خوابم نمی‌برد. حیاط و بهارخواب نداشتم. اتاقم در وسط شهر بود. بساط تهویه به تهران نرسیده بود. شاید هنوز اختراع نشده بود. خیس عرق می‌شدم. پیوسته به یاد ایل و تبار بودم. روزی نبود که به فکر ییلاق نباشم و شی نبود که آن آب و هوای بهشتی را در خواب نبینم. در ایل، چادر داشتم. در شهر، خانه نداشتم. در ایل، اسب سواری داشتم. در شهر، ماشین نداشتم. در ایل، آسایش و کس و کار داشتم. در شهر، آرام و قرار و غمخوار نداشتم.»

◆ (بخارای من، ایل من)

یکی از دانش‌آموزان از معلم پرسید: «در سنجش و مقایسه کردن پدیده‌ها، به چه چیزهایی باید توجه کرد؟»

معلم در پاسخ گفت: «هنگام سنجش و مقایسه پدیده‌ها، به تفاوت‌ها و شباهت‌های دو موضوع یا دو پدیده می‌اندیشیم و آن فکر را بر اساس این دو ویژگی (تفاوت، شباهت) دسته‌بندی می‌کنیم. در این کار، ذهن ما نظم پیدا می‌کند و فکر ما گسترش می‌یابد و نوشته ما کامل می‌شود.»

برای نمونه، اگر موضوع نوشتن «دیوار» باشد. نخست کمی درباره دیوار و مشخصات ظاهری آن (ویژگی‌ها، اندازه، نوع ساختمان، طول و...) فکر می‌کنیم؛ سپس چیزی را که بتوانیم با این ویژگی‌ها، مقایسه کنیم؛ کنار آن موضوع می‌نویسیم و آن‌گاه ذهن خود را برای بیان تفاوت‌ها و شباهت‌ها به کار می‌گیریم. مثلاً می‌خواهیم «دیوار» را با «درخت» بسنجیم. همین که این دو را کنار هم قرار دادیم، خود به خود، ذهن ما فعالیت را آغاز می‌کند و به طبقه‌بندی و نظم دادن به موضوع دست می‌زند.»

شباهت‌ها: هر دو ایستاده‌اند، هر دو مانع دیدن می‌شوند، هر دو با دال آغاز می‌شوند، هر دو سایه دارند و ...

تفاوت‌ها: یکی بی‌جان و دیگری جاندار، یکی با شاخ و برگ و دیگری بی شاخ و برگ، یکی بی‌تغییر در فصل‌ها و دیگری با فصل در تغییر و ...

شاید نتیجه این مقایسه، نوشته‌ای شبیه متن زیر باشد:

درخت و دیوار سال‌ها است کنار هم زندگی می‌کنند. دیوار پیر، درخت را از زمانی که تنها یک نهال کوچک بود می‌شناسد. چیزی که آنها را به هم نزدیک کرده است. شباهت‌ها و قرابت‌های آنهاست. هر دوی آنها، روی پای خود ایستاده‌اند. هر دو سایه دارند و رهگذران را پناه می‌دهند.

اما درختی که زیر سایه دیوار، به چشم نمی‌آمد، حالا سر به فلک کشیده است و از بالا به دیوار می‌نگرد. درخت هر سال بالا و بالاتر می‌رود و دیوار هر سال کوچک و کوچک‌تر می‌شود. شاید هم به شاخ و برگ خود بنازد و دیوار بی‌شاخ و برگ را مسخره کند...

◆ مؤلفان

◆ متن‌های زیر را بخوانید و مشخص کنید، کدام متن بر پایه شیوه مقایسه، نوشته شده است؟

◆ الف) قد نسبتاً کشیده‌ای داشت که کمی پشتش را خمیده نشان می‌داد. چهره‌اش سفید و کم گوشت بود، دماغ کشیده و نوک تیز و پیشانی صاف و مرتبی داشت که در ورزش باد، قسمتی از آن را موهایش می‌پوشاند. حالت چشمانش آرام بود و در قعرشان موجی از غم در آرامشی ناگوار یخ بسته بود. چانه استخوانی و صافی داشت که دهانش را زیباتر جلوه می‌داد، موهای بلندش که دور گوش‌ها و گردنش را پوشانده بود، قدری تیره‌تر از رنگ ساقه‌های درو شده گندم بود.

(کارنامه سپنج)

◆ ب) صبح بود و پرتو آفتاب مانند طلاروی امواج ملایم دریا می‌درخشید. نزدیک به یک کیلومتر دور از ساحل یک قایق ماهیگیری آب را شکافته، به پیش می‌رفت. از سوی دیگر هلله و آوای مرغان دریایی که برای به دست آوردن غذای خود به ساحل روی آورده بودند در فضا طنین افکنده بود. روز پر تحرک دیگری شروع می‌شد.

(پرنده‌ای به نام آذرباد)

◆ پ) هر دسته از مردم، مقررات ویژه‌ای برای آداب معاشرت دارند. دست دادن با دوستان در هنگام ملاقات در بسیاری از بخش‌های جهان معمول است. چینیان به جای اینکه به یکدیگر دست بدهند؛ دو دست خود را بر هم می‌گذارند و تکان می‌دهند. در بسیاری از کشورها برداشتن کلاه، نشان ادب است ولی بومیان غنا در افریقا به جای این کار، قبای خود را از یک شانه به پایین می‌اندازند.

(آیین نگارش، سال اول دبیرستان، ۱۳۵۳)

.....

.....

.....

.....

◆◆ تصوّر کنید دو حالت زیر را تجربه کرده‌اید؛ با مقایسهٔ آنها، متنی بنویسید.

◆ برخاستن از خواب در صبح روستا ◆ برخاستن از خواب در صبح شهر

A large rectangular writing area with a light blue border and horizontal dotted lines for text. The page is decorated with a background image of a village in a valley, a vertical column of diamond shapes on the right, and a floral illustration at the bottom center.

◆◆◆ یکی از نوشته‌های تمرین ۲ را بر اساس معیارهای زیر، ارزیابی کنید.

سنجه‌های ارزیابی :

- ◆ داشتن پیش‌نویس
- ◆ داشتن پاک‌نویس (رعایت نشانه‌های نگارشی، نداشتن غلط‌املائی، توجه به درست‌نویسی، حاشیه‌گذاری)
- ◆ رعایت طبقه‌بندی ذهن و نوشته (مقدمه، بدنه و نتیجه)
- ◆ بهره‌گیری از شیوه‌مقایسه و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌ها
- ◆ شیوه‌خواندن

نتیجه بررسی و داوری

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

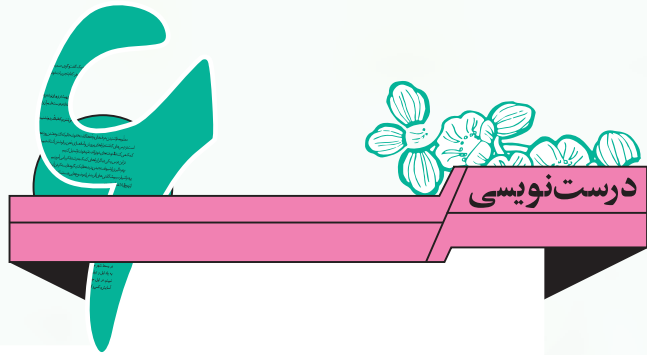
.....

.....

.....

.....





◆ همه نویسندگان، خواندن آثار بزرگان را گامی مهم برای رشد می دانند.
◆ همه نویسندگان، خواندن آثار بزرگان را گامی مهم برای رشد می دانند.
جمله اول صحیح است. کلمه هایی که به نشانه بیان حرکت «ه» ختم می شوند، هنگامی که نشانه جمع «ان» یا نشانه «ی» را بخواهیم به آخر آنها اضافه کنیم، به ترتیب این گونه، نوشته می شوند (نویسندگان و نویسندگی) و نشانه بیان حرکت «ه» دیگر ظاهر نمی شود.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

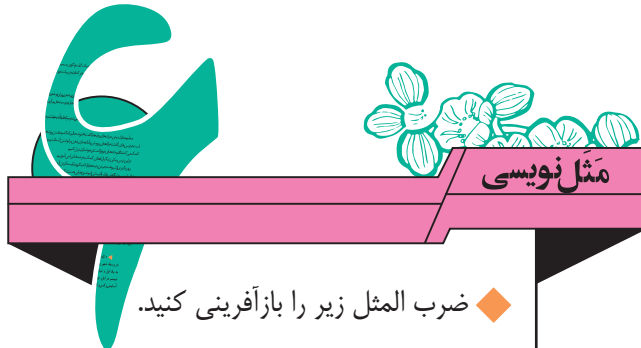
◆ شرکت کننده گان در مراسم امروز، از عملکرد دانش آموزان این مدرسه، خرسند بودند.

.....

◆ نخبه گان با دیده گانی باز و با آگاهی، همه امور را پی می گیرند.

.....





◆ ضرب المثل زیر را بازآفرینی کنید.

ضرب المثل: «زبان سرخ، سر سبزی دهد برباد»

بازآفرینی مَثَل

Large light blue writing area with horizontal dashed lines for text entry.

